
کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در بُعد اقتصادی سبک زندگی از منظر قرآن

فاطمه همایون^۱ (نویسنده مسئول)
احمد خدارحمی^۲

چکیده

سبک زندگی یکی از ابعاد مهم زندگی اجتماعی است که در سالهای اخیر از سوی مقام معظم رهبری مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. عقاید بنیادین از قوی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری سبک زندگی است. اعتقاد به توحید ربوبی که تدبیر و مدیریت همه‌جانبه خداوند متعال نسبت به شئون زندگی انسان و همه مخلوقات است تأثیر بسزایی در همه ابعاد سبک زندگی از جمله رفتارهای اقتصادی دارد. در این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که اعتقاد به ربوبیت خداوند چه نقشی در سبک زندگی اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف دارد؟ با بررسی تحلیلی - توصیفی آیات قرآن و نظرات مفسران، نتایج قابل توجهی به دست می‌آید که اعتقاد به اصالت مالکیت خداوند، تقید به تقوای

۱. طلبه سطح چهار علوم و معارف قرآن جامعة الزهرا (س)، a.fhomayoon@ymail.com

۲. کارشناسی ارشد رشته مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی قم a.fhomayoon@ymail.com

الهی، اجتناب از کم فروشی، اجتناب از معاملات حرام، مصرف امور حلال، اعتدال در مصرف، کمک به محرومین و... از جمله آنهاست.

کلید واژگان: توحید ربوبی، سبک زندگی، اقتصاد، توزیع، مصرف.

مقدمه

سبک زندگی از این جهت که از مؤلفه‌های شکل‌گیری تمدن‌های بشری محسوب می‌شود، اهمیت مضاعف دارد. سبک‌هایی از زندگی که تا امروز مقابل دیدگان بشر بوده و الگوی رفتاری و عملی او شده است معمولاً از پشتوانه‌های نظری برخوردار بوده است و بر اساس آن پشتوانه‌های نظری سبک‌های مختلف، شکل یافته‌اند. گاهی این پشتوانه‌های نظری (زمینه‌ها) انسانی و غیر الهی و با نگاه‌های مادی و محوریت انسان (امانیسمی) و لذت، سود و زیان‌های او شکل گرفته، خروجی آن، سبک زندگی است که امروزه در جوامع غربی، مشاهده می‌شود.

اما دسته دیگری از پشتوانه‌های نظری (زمینه‌ها) که بر اساس آن اسلوب و سبک زندگی می‌تواند شکل بگیرد و مبنای رفتار و عمل بشر قرار گیرد، آموزه‌های الهی دینی است. در این نوع از سبک زندگی به جای محوریت قرار گرفتن انسان، مبدأ عالم هستی و دستورات او به عنوان خالق عالم هستی، مبنای عمل در شکل‌گیری سبک زندگی قرار می‌گیرد. باور این که ربوبیت و تدبیر عالم هستی به دست خداست چون او خالق عالم است و تدبیر عالم از خلقت جدایی‌پذیر نیست، با عنوان توحید ربوبی، یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های دینی است. اگر این باور در ابعاد مختلف زندگی نهادینه شود، آن گاه سبک زندگی فرد در همین بستر شکل خواهد گرفت و زندگی انسان همانی خواهد شد که پروردگارش برایش ترسیم کرده است. قرآن، کتاب هدایت و در بردارنده برنامه زندگی انسان است. در همین راستا آیات بسیاری با مضامین متفاوت این برنامه را ترسیم می‌کند. انسان موحد، نیاز دارد برای دستیابی به این سبک به مهم‌ترین منبع دینی که قرآن است مراجعه کند.

در قرآن، شیوه زندگی انسان جهت دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی در ضمن آیات متعددی، بیان شده است. از جمله آیاتی که می‌توان برای به دست آوردن سبک زندگی به آن‌ها مراجعه نمود، آیاتی است که به مسئله توحید ربوبی، پرداخته است.

براین اساس در این نوشتار، با توجه به اهمیت اقتصاد در زندگی چه فردی و چه

اجتماعی و توصیه رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم نسبت به توجه به سبک زندگی، تلفیق بین این دو سرفصل انجام شده و بخشی از الگوی اعتقاد به ربوبیت خدای یگانه و برخی از تاثیرات رفتاری و بینشی این اعتقاد در بُعد اقتصادی زندگی با نظر به آیات الهی ترسیم شده است.

با اعتقاد به این که خدا مالک حقیقی است و قبض و بسط رزق و روزی یک انسان به دست خداست و همراهی این اعتقادات با تقوا، راهگشا و راهنمای عملی انسان در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف در زمینه اقتصاد، خواهد بود.

پیشینه

باتوجه به بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته، به صورت عام و کلی در موضوع «توحید ربوبی» تالیفات متعدد و مفصل در منابع تفسیری، کلامی تشیع و تسنن وجود دارد. در ارتباط با کارکردها و آثار نیز به صورت جزئی‌تر پایان‌نامه‌هایی با عناوین «آثار تربیتی توحید ربوبی» و «توحید ربوبی و نقش آن در تربیت انسان از منظر آیات و روایات» و... همچنین مقالاتی نزدیک به این موضوع با عنوان «کاربست توحید ربوبی در تربیت انسان» ارایه شده است.

در بحث سبک زندگی نیز آثار متعددی به رشته تحریر در آمده که به برخی از آن‌ها مانند کتاب «دین و سبک زندگی» نوشته محمد سعید مهدوی کنی و کتاب «ظرفیت‌های پژوهش سبک زندگی از منظر آیات و روایات» با قلم سید محمد تقی موسوی فر، می‌توان اشاره کرد. همچنین رساله‌ای با عنوان «بررسی نظریه توحید ربوبی و نقش آن در سبک زندگی اسلامی از دیدگاه ملاصدرا» به قلم احمد محمدی پیرو در مقطع دکتری، مورد پژوهش واقع شده است. این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین در دو جهت تفاوت خواهد داشت.

کارکرد توحید ربوبی در سبک زندگی با محوریت آیات قرآن و به‌طور خاص در بُعد اقتصادی از سبک زندگی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته تا نقش مؤثر اعتقاد به توحید ربوبی به‌طور واضح و ملموس در زندگی برای هر مخاطبی روشن گردد.

تعریف مفاهیم

توحید

توحید از جهت ریشه لغوی از ماده «و. ح. د» به معنای یکی بودن، منفرد بودن (ازهری، ۱۴۲۱: ۵ / ۱۲۵) تنها در ذات یا صفت است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۵۰)

از جهت ساختار صرفی باب تفعیل است. «وَحْدَهُ: جعله واحدا» (حسین یوسف، ۱۴۱۰، ج ۲ / ۱۲۵۲).

مشقتات این ماده بارها در قرآن به کار رفته است. «ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا» (مدثر ۷۴) اما خود واژه توحید در قرآن نیامده است از آنجاکه توحید فقط برای خداوند صحیح است در بسیاری از کتب لغت در تبیین معنای لغوی توحید، آن را برای خدا به کار برده‌اند. باتوجه به این اصل، توحید به معنای ایمان به خدای یگانه (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۵۰) و یا به معنای یگانه دانستن خداوند است. (فیروز آبادی، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۷۷) «التوحید: الایمان بالله وحده لا شریک له؛ (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۲۸۱) توحید، ایمان به خداوند است درحالی که یگانه است و هیچ شریکی ندارد.»

در معنای اصطلاحی، مراد از توحید، یگانگی و یکتا بودن خدای تعالی است و از این چنین وحدتی در فلسفه به وحدت حقه حقیقیه تعبیر می‌شود و این چنین وحدتی، مختص موجودی است که صرف الوجود، محض الوجود، عین الوجود و واجب الوجود است چرا که موجودی با اوصافی این چنینی یکی بیش نیست: «صرف الشیء لا یتثنی و لا یتکرر.» (طبا طبایی، ۱۴۳۴: ۲۷۸)

رب

مالک (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱، ۳۹۹) مدبّر (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۶۳) در حالت غیر مضاف، استعمال آن در ذات کبریایی الله است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۲۵۶)

در کتاب‌های لغوی که بر اساس آیات قرآن به واژگان پرداخته می‌شود، «رب» را به تربیت یعنی ایجاد آن به آن شیء، تارسیدن به حد کمال آن شیء معنا کرده‌اند (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶).

هدایت شیء به سمت کمال و رفع نواقص آن به وسیله زدودن نقائص و آراستن آن است. خواه این هدایت به سمت کمال و رفع نواقص در امور ذاتی شیء، عوارض، اعتقادات، معارف، صفات، اخلاقیات، اعمال یا آداب، در مورد انسان یا حیوان یا نبات باشد. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۸/۴)

توحید ربوبی

«رب» به معنای مالک و صاحب اختیاری است که هر لحظه در حال ربوبیت مملوک است و «رب العالمین» مالک تمام عالمین است چون او خالق است و همو که خالق است، مالک است و چون ملک حقیقی از تدبیر و ربوبیت، تفکیک پذیر نیست، صاحب اختیار مخلوقات است و برای تصرف و تدبیر و هدایتشان، به اذن کسی نیاز ندارد. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۴/۱)

با توجه به معنای «رب» که تدبیرکننده و کسی است که امر تربیت یک چیز را به عهده می‌گیرد؛ حقیقت تدبیر، تنظیم و نظام دهی اشیاء، به ترتیبی است که به واسطه آن نظم و نظام، آنچه که مطلوب و مقصود از آن شیء می‌باشد، تحقق پیدا کند.

بنابر این مراد از تدبیر و ربوبیت الهی این است که، او خالق عالم است و اسباب و علل را به نحوی ترتیب داده و تنظیم نموده است که مسببات و معلولات، به دنبال آن‌ها تحقق پیدا کند و هریک از اجزاء عالم به نحو مناسب و مطلوب بردیگر اجزاء اثر گذاشته تا آن جا که هر موجودی، به کمال مناسب و هدف نهایی خود در عالم خلقت، نائل گردد. (سبحانی، ۱۳۸۹: ۶۸)

مراتب توحید

در منابع مختلف دسته‌بندی و عناوین گوناگونی برای توحید عنوان شده است، اما از مهم‌ترین مراحل توحید می‌توان به: توحید در ذات، توحید در صفات، توحید در خالقیت،

توحید در ربوبیت و توحید در عبادت نام برد. (سبحانی، ۱۳۸۹: ۴۳). علامه طباطبائی در نهایت، توحید در خالقیت و ربوبیت را از انواع توحید افعالی بر شمرده‌اند. (طبا طبایبی، ۱۴۳۴: مرحله ۱۲)

کارکرد

این واژه در معنای عمل (دهخدا، ۱۳۶۱: ۳۶ / ۱۳۵). کردار، فعل و رفتار (معین، ۱۱۳۸۶: ۱۱۵۷) آمده است. به اندازه و مقیاس کار انجام شده، کارکرد آن عمل گفته شده است. (عمید، ۱۳۶۷: ۸۰۸). مترادف با راندمان و عملکرد است. بانظر براین معنا در این پژوهش بدنبال بررسی عملکرد و رفتار انسان‌های معتقد به توحید ربوبی در بخشی از زندگی اجتماعی انسان آن هم در جنبه اقتصادی هستیم. به بیان دیگر در این نوشتار برآنیم تا تاثیرات، نتایج و فواید آموزه توحید ربوبی در سبک زندگی انسان مؤمن به ربوبیت الهی را در ضمن آیات قران کریم که یا مستقیم به ربوبیت الهی و یا آن‌که غیر مستقیم به این مقوله پرداخته است، بررسی نماییم.

اقتصاد

اقتصاد" به معنای گرفتن " قصد" (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۶ / ۳۹) و قصد، به معنی میانه روی، بین افراط و تفریط آمده است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳، ، ۱۲۸) اقتصاد در زندگی، اعتدال، حد وسط زیاده روی و تنگی در معیشت معنا شده است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۵، ، ۱۹۰) علم اقتصاد سیاسی، علمی است که در مورد توزیع ثروت و نتایج و استهلاکات آن بحث می‌کند. (صلیبا، ۱۴۱۴: ۱، ، ۱۰۹)

سبک

این واژه از مصدر ثلاثی مجرد به معنای گداختن و قالب‌گیری طلا و نقره است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۳۸) در گذشته این واژه در ادبیات کاربرد داشته و سبک را مجازاً به معنی طرز خاصی از نظم و نثر در مقابل استایل در زبان انگلیسی استعمال کرده‌اند. (دهخدا، ۱۳۶۱: ۲۸ / ۲۴۹) طرز، روش. (عمید، ۱۳۶۷: ۵۹۷)

زندگی

زیستن، عمر و معاش (عمید، همان: ۵۷۸). صفتی که مقتضی حس و حرکت است. (دهخدا، همان: ۲۷/ ۴۱۱).

سبک زندگی

سبک زندگی امروزه از مفاهیم بنیادینی محسوب می‌شود که توجه بسیاری از دانشمندان و متفکران حوزه‌های مختلف علوم را به خود جلب کرده است. (موسوی فر، ۱۳۹۵: ۱۹)

با وجود دشواری‌ای که در ارائه یک تعریف دقیق و قطعی از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی وجود دارد، می‌توان سبک زندگی را اینطور معنا کرد:

الگوی همگرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه‌اش) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. «یا به اختصار» الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۸)

با این تعریف مجموعه عناصر زندگی وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شوند که به حد نصاب از انسجام و هم بستگی رسیده و همخوانی و تناسب داشته باشند. (حسین زاده، ۱۳۹۳: ۲۲)

در یک نگاه کلی «دین» و «سبک زندگی» اجزای فرهنگ هستند پس در حال تعامل اند. افزون بر این، تعریف‌ها و ویژگی‌های دین و سبک زندگی، نشان می‌دهد، امکان ذاتی برقراری یک رابطه میان این دو مفهوم وجود دارد. زیرا سبک زندگی مطابق تعریف، الگو یا کلیت رفتاری ناشی از تمایلات و ترجیح‌ها است و می‌دانیم تمایلات و ترجیح‌ها متأثر از نظام معنایی افراد است و یکی از نظام‌های معنایی، دین است. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

آموزه‌ها و ساختارهایی در دین اسلام، وجود دارد که هر شخصی با نظر به آن می‌تواند به سبک زندگی اسلامی دست پیدا کند؛ یکی از این آموزه‌ها، مربوط به مباحث اعتقادی در

دین است که بخشی از این آموزه‌ها به توحید و یگانگی خدا می‌پردازد. درذیل مباحث مربوط به توحید، شاخه‌ای از معارف با عنوان توحید ربوبی، بررسی می‌شود که الگوگیری از این آموزه‌ها موجب پیشرفت برای انسان موحد خواهد بود.

دستورات و الگوهای مورد نیاز انسان از طریق آیات و روایات برای بندگان ارسال شده تا به واسطه آن سعادت دنیا و آخرت را تأمین کند.

بر این در جهت رسیدن به یک الگویی خاص که شاخصه‌های موجود در تعریف سبک زندگی را تأمین می‌کند، در ضمن آیات در بردارنده آموزه توحید ربوبی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از رهگذر این بررسی مجموعه‌ای منظم و منسجم (سبک، روش، الگو) که در رفتار اجتماعی انسان مسلمان در حوزه اعتقادات و رفتار او قابل مشاهده باشد را تبیین و ارایه نماید.

تحقق دسته‌ای از اهداف و رفع بخش وسیعی از نقص‌ها و نیازهای انسان در گرو زندگی اجتماعی و حضور اجتماعی اوست که این حضور اجتماعی او بخشی در خانواده و بخش دیگر در اجتماع به معنای خاص آن یعنی جامعه انسانی، تعریف می‌شود.

از آن جا که در زیست اجتماعی انسان مسائل مالی و اقتصادی بخش قابل توجهی از زندگی را به خود اختصاص می‌دهد، اهمیت و ضرورت وجود یک نظام و ساختار در این بُعد از زندگی نمایان می‌شود. بر این است که در دین مبین اسلام به این بُعد از زندگی انسان توجه ویژه شده و در قالب ارائه آموزه‌ها و دستوراتی که مقتضای ربوبیت الهی است یک نظام اقتصادی را شکل داده است که رفتار و تعاملات مالی و اقتصادی یک انسان مسلمان و موحد را ذیل ربوبیت الهی دارای سبک و ضابطه‌مند می‌کند.

بانظربه فرمایشات رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، نیز، لازم است الگوی مناسبی در بُعد اقتصادی زندگی انسان موحد برای محقق ساختن این تمدن، ارائه شود.

عمل و رفتار انسان موحد معتقد به ربوبیت الهی در زمینه عملکردهای اقتصادی اش را

می‌توان به دو عنوان بینشی و رفتاری تقسیم کرد که در هریک از این عناوین، آموزه‌های والایی بر اساس آیات قرآن، راهگشا در پیشبرد اهداف اقتصادی زندگی وجود دارد.

کارکردهای بینشی

بنابر آیه ۹۶ سوره اعراف ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...﴾ توجه و تقویت معنویت در جامعه، بازده اقتصادی دارد (قرائتی، ۱۳: ۱۲۴/۳) طبق آیه ایمان همراه تقوا می‌تواند بسیاری از رزق و روزی را برای انسان بدنبال داشته باشد. این‌که انسان بپذیرد خالق یکتا، یگانه در ربوبیت است، او را به سمت پذیرش برخی از امور می‌برد که روشن‌گر مسیر زندگی او خواهد بود.

۱.۱. خدا، مالک حقیقی اموال و دارایی‌ها

این‌که انسان نوع نگاهش به مالکیت حقیقی عالم و اموال و دارایی‌ها چگونه بوده و در این مسئله برای خودش چه نوع ملکیتی قائل باشد، در نوع رفتار او در مواقع برخورداری از روزی‌ها و از دست دادن اموال تأثیر مهمی دارد، این جاست که خدای متعال در آیات بسیاری از کلام مجیدش ملک عالم را از آن خود دانسته و از جمله فرموده: آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خداست. «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» (آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، ملک خدا است. بقره (۲): ۲۸۴) و نیز فرموده ملک آسمانها و زمین از آن اوست. «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»: (ملک آسمانها و زمین از آن او است، و بازگشت همه امور به سوی خداست. حدید (۵۷): ۵) پس ملکیت حقیقی عالم و آنچه در عالم هستی وجود دارد برای خداست و مالکیت انسان ملکیتی اعتباری و زائل شدنی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱، ۹۴)

ارائه این نوع از بینش و نگرش به مالکیت در عالم از سوی خداوند متعال به انسان: اولاً به انسان می‌فهماند که مالکیت‌های او در دنیا اعتباری است، ثانیاً آن‌که دستیابی به آن‌ها موجب غرور و سرمستی و طغیان او نشود و از جانب دیگر هم از دست دادن آن‌ها او را اندوهگین و ناامید نکند چرا که جنس مالکیت این دست امور فانی و زائل شدنی است و

بقاء و مالکیت حقیقی فقط از آن خداست و تدبیر تمامی این امور نیز به دست او بوده و ربوبیت اوست که بود و نبود هر یک از این امور را رقم می‌زند.

به بیان دیگر از آن جهت که خداوند متعال خالق هستی است و ربوبیت عالم نیز از آن کسی که خالقیت از آن اوست پس لازمه این خالقیت و ربوبیت، مالکیت مطلقه و حقیقی او نسبت به عالم هستی و از جمله انسان و متعلقات انسان است چون بدون مالیکت مطلقه ربوبیت مطلقه امکان‌پذیر نیست. براین اساس که مالکیت مطلقه و حقیقی فقط برای خداوند متعال است پس هرآنچه از مالکیت برای غیر خدا متصور است غیر حقیقی و اعتباری و فانی است.

۱.۲. خدا؛ رزق و قبض و بسط آن

عده‌ای بر این پندارند که کثرت مال آن‌ها دلیلی بر برتری و کرامت و سعادت آن‌هاست. کما این‌که در صدر اسلام عده‌ای از مشرکان در مقابل دعوت پیامبر عظیم الشان اسلام با یادآوری برخورداری خود از مال و ثروت و دارایی، این مسئله را دلیلی بر برتری خود به حساب می‌آوردند. «وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ: و نیز گفتند: ما اموال و اولاد بیشتری داریم، و هرگز عذاب نمی‌شویم.» (سبأ: ۳۴): (۳۵)

حال آن‌که در نگاه توحیدی، مال و ثروت و زیادی و کمی آن دلیل بر برتری و کرامت در نزد خدا نمی‌تواند باشد، از این روست که خداوند در آیه ۳۶ سوره سبأ «إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ... بگو این پروردگار من است، که روزی را برای هر کس بخواهد بسیار، و برای هر کس بخواهد اندک می‌سازد...» به این گفتار مشرکین جواب می‌دهد.

فرمایش علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه ذیل آیه شریفه، به این بیان است:

رزق یعنی اموال و اولاد و کمی و زیادی آن به دست خداست؛ که هر کسی را به مقتضای حکمت و مصلحت از آن روزی می‌کند و اسباب به دست آوردنش را هم فراهم می‌کند و خواست انسان و کرامت و حرمتی که نزد خدا دارد هیچ اثری در کمی و زیادی رزقش ندارد. پس زیادی مال، هیچ دلالتی بر سعادت و کرامت نزد خدا ندارد. (طباطبائی،

خداست که به اقتضای ربوبیت خویش به هر که بخواهد می‌دهد و از هر که بخواهد باز می‌دارد.

بنابراین کسی که معتقد به ربوبیت الهی است و منشاء و مبداء تمام ارزاق و دارایی‌های عالم را فقط خدا می‌داند و معتقد است اوست که به اختیار خود و به صلاح و مصلحت و حکمت به هر کس و به هر مقدار بخواهد می‌دهد و اگر اراده به عدم دادن کند نمی‌دهد، پس دارایی و زیادی اموال را ملاک برتری قلمداد نمی‌کند، چون این امر را اساساً مربوط به ربوبیت الهی و در اختیار او می‌داند.

در ذیل آیه ۲ سوره فاطر بیان می‌دارد، آنچه را که خدا از نعمت‌هایش یعنی از ارزاق (اعم از مادی و معنوی) که به بندگان خود عطا می‌کند، در همه عالم هستی کسی نیست که بتواند از آن جلوگیری کند و مانع از رسیدن آن به بندگان شود و آنچه را که او به مصلحت از بندگان دریغ می‌کند و به آن‌ها نمی‌دهد، کسی نیست که به جای خدا آن نعمت را به بندگان خدا بدهد. (طباطبائی، ۱۱۳۹۰: ۱۷ / ۱۵) براین اساس رساندن روزی و ارزاق و منع از آن اختصاصاً از آن خداوند متعال بوده و از اقتضائات ربوبیت اوست.

لازم به ذکر است که استشهاد و استناد به این آیات از آن جهت است که تحقق ربوبیت مطلقه خداوند متعال در این بُعد از زندگی انسان (اقتصادی و مالی) در قالب تشریح احکام و قوانین و دستورات و سفارشات است که در ضمن آیات مورد اشاره به آن‌ها پرداخته شده است. (ربوبیت تشریحی). و توجه و عمل به این دستورات است که سبک زندگی مالی توحیدی را برای انسان مؤمن میسر می‌نماید.

۱.۳. تقوا در امور اقتصادی

«وقی» به معنی حفظ شیء از آن چه به آن زیان و ضرر می‌رساند؛ «تقوا» از این ریشه به معنی حفظ نفس از آن چه از آن می‌ترسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۱)

انسان موحد که به ربوبیت خدای یگانه معتقد است، خود را از هر آن چه او را در معرض

مخالفت با خدای یگانه قرار دهد، حفظ می‌کند و از هر عملی که او را از رب یکتا دور کند پرهیز می‌کند؛ این همان پرهیزگاری یا همان "تقوا" است که در عرصه‌های مختلف زندگی او به صورت‌های مختلفی بروز می‌کند.

اعتقاد به تقوا در بُعد اقتصادی زندگی انسان زمینه‌برخورداری از برکات الهی را فراهم می‌کند. آن چه که خداوند متعال در آیاتی از قرآن به بندگانش خود متذکر می‌شود ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ...﴾^۱ آن چه در تفسیر این آیه قابل توجه است آن است که برکات به معنی خیر کثیر بهره‌مندی از نعمات الهی در موقع مناسب و بجا و دیگر این که این انفتاح به شرط ایمان و تقوی آن هم، تقوای جامعه، نه این که تقوای یک نفر یا دونفر در اجتماع زمینه بهره‌مندی یک اجتماع را فراهم کند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۸، ۲۰۱)

رهبر انقلاب، عملی شدن تقوا در بعد اقتصادی در جامعه را اقتصاد مقاومتی می‌داند یعنی مصداق تقوا در اقتصاد، اقتصاد مقاومتی است. بنابراین نظر می‌توان گفت اگر مردم ایران بنابر دستورالعمل‌های اقتصاد مقاومتی برنامه‌ریزی کنند از مواهب الهی به بهترین شکل آن‌ها بهره‌مند خواهند شد. "لفتحننا علیهم برکات"

ماه رمضان ماه تقوا است؛ تقوا چیست؟ تقوا عبارت است از آن حالت مراقبت دائمی که موجب می‌شود انسان به کج‌راهه نرود و خارهای دامن‌گیر، دامن او را نگیرد... در بخش‌های مختلف تقوای اجتماعی را می‌توان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی... اقتصاد مقاومتی عامل استحکام است در مقابل آن کسانی و آن قدرتهایی که از همه ظرفیت اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و امنیتی خودشان دارند استفاده می‌کنند برای این که به این ملت و این کشور و این نظام ضربه وارد کنند... این می‌شود تقوای اجتماعی ما در زمینه مسئله اقتصادی ". (خامنه‌ای، بیانات:

(۱۳۹۴/۴/۲)

کارکردهای رفتاری

با استناد به آیات قرآن می‌توان دریافت که باورها تأثیر بسزایی در اعمال و رفتار آدمی دارد.

(رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۱، ۲۵۵) آن جا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلٰی مَكَاتِبِكُمْ اِنَّا عَامِلُونَ﴾ (هود (۱۱): ۱۲۱)

این آیه نشانگر آن است که باور و عقاید آن چنان در مخالفان تأثیر داشته که هیچ یک از اقدامات در جهت هدایت آن‌ها به حق و حقیقت رهنمون نبوده و در نهایت خداوند متعال فرموده بر اساس همین اعتقاد تان عمل کنید، ما هم بر اساس اعتقاد خود عمل می‌کنیم تا در نهایت حقیقت روشن شود.

از این منظر است که می‌توان به کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در عمل و رفتار و مطابق هدف این نوشتار، کارکرد آن در بعد اقتصادی زندگی، پرداخت.

اگر اقتصاد را درسه حزه تولید، توزیع و مصرف، مورد بررسی قرار دهیم، اعتقاد به توحید ربوبی در این سه حوزه تأثیرات رفتاری و عملکردهایی در راستای ساماندهی به سبک زندگی اسلامی خواهد داشت.

۱.۲. کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در حوزه تولید

قرآن به گستردگی منابع تولید عقیده دارد ﴿وَاتَاكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا...﴾: از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آن‌ها را شماره نتوانید کرد" (ابراهیم (۱۴): ۳۴) با توجه به این که همه چیز در زمین هستباید با مدیریت صحیح، از منابع موجود استفاده کنند.

فعالیت‌های تولیدی، عنصر اساسی در طلب روزی است و برای اهمیت و تشویق به آن، می‌توان از آیات متعدد قرآن کریم استفاده کرد. قرآن تصرّف در عوامل تولید و نهادهایی که خداوند برای بشر خلق کرده، توصیه و به شکر این نعمت‌ها و استفاده درست از آن‌ها تأکید و نیز دوری کردن از تصرّف در عوامل تولید را پیروی از گامهای شیطانی دانسته است و نکوهش می‌کند. (عبداللّهی عابد، ۱۳۹۳: ۱۲۲) به طور مثال در آیه ۱۲ سوره اسراء، خداوند اگر روز که یکی از عناصر طلب روزی است را آیت و نشانه دانسته برای آن بوده که بندگان رزق پروردگار خود را در روز طلب می‌کنند و این امر از مدبران رب عالم است.

همچنین در آیاتی اینچنینی ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...﴾ (ابراهیم (۱۴): ۳۲ - ۳۴) خداوند متعال از راه اختصاص تدبیر عام موجودات از قبیل نظام خلقت و فرستادن آب از آسمان، بیرون کردن رزق از زمین، تسخیر دریاها (جاثیه (۴۵): ۱۲ - ۱۳)، آفتاب و ماه، شب و روز (نحل (۱۶): ۱۲ - ۱۴) و... اختصاص ربوبیت را برای خداوند متعال توصیف می‌کند. (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۵۸/۱۲)

۲.۲. کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در حوزه توزیع

در آیه شریفه ﴿تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ دلالتی است بر حکم عمومی که متوجه جامعه اسلامی است و آن حکم این است که جامعه برای خود شخصیتی واحد دارد که این شخصیت واحده مالک تمامی اموال روی زمین است و خدای تعالی زندگی این شخصیت واحده را به وسیله این اموال تأمین کرده و آن را رزق وی ساخته است، پس بر این شخصیت لازم است که امر آن مال را اداره نموده، در معرض رشد و ترقی قرار دهد. (طباطبائی، همان: ۴، ۲۷۳) برنامه ریزان اقتصادی در نظام اسلامی باید به تعدیل ثروت و عدم تمرکز آن در دست یک گروه خاص توجه داشته باشد. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۴۴/۹)

﴿...يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...﴾ (حشر (۵۹): ۷)

اسلام برای توزیع عادلانه ثروت، به جای توسل به زور و سلب مالکیت افراد، با پیوند دادن امور اقتصادی با مسائل اعتقادی و بالا بردن سطح ایمان و اخلاق در جامعه اسلامی، تمام روابط اقتصادی اجتماعی و به ویژه روابط توزیعی را مربوط به خود انسان می‌داند و او را مسئول آن‌ها می‌شمارد. از این رو می‌بینیم در اسلام پیوند بین اقتصاد و باورهای اعتقادی به اندازه‌ای قوی است که تفکیک بین آن‌ها در بعضی موارد امکان‌پذیر نیست برای مثال هرچند بعضی از واجبات مالی مانند خمس و زکات و برخی انفاق‌ها به ظاهر در زمره مباحث اقتصادی قرار می‌گیرند، ولی در واقع جزء مسائل عبادی به شمار می‌رود و به همین جهت قصد قربت شرط نخست برای قبولی آن‌هاست. (محقق نیا، ۱۳۹۴: ۴۲)

۲.۲-۱. اجتناب از کم فروشی

معاملات مالی، مخصوصاً خرید و فروش از ارکان حیاتی انسان اجتماعی است، آن چه را انسان به آن نیاز دارد و آن بهایی که در مقابل نیازش می پردازد با کیل اندازه کگیری می کند و بر اساس این اندازه گیری تدبیر امور زندگی را می کند بنابراین اگر در معامله ای از راه نقص و مکیال و میزان به او خیانت شود که خود شخص متوجه آن نگردد، تدبیر او در زندگی اش باطل می شود و در این مسیر دچار سردرگمی می شود و این خود فساد است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۰/۳۶۳)

در آیه ۸۵ سوره اعراف خداوند متعال در جهت شکل گیری روابط مالی و اقتصادی سالم انسان ها را به توحید ربوبی و اصول توحیدی توجه می دهد و به آن ها یادآور می شود:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾.

اولاً: بنده خدا باشید. ثانیاً: از جانب پروردگار شما بینه و نشانه ای آمده (دستور) و در ضمن آن از شما خواسته شده است که اقتضای ربوبیت خدا را در زندگی اقتصادی خود رعایت کنید و در روابط مالی و اقتصادی بین خود به دستورات الهی ملتزم بوده و درست رفتار کنید و با نقض دستورات الهی کم فروشی در زمین ایجاد فساد نکنید. پس مؤمن واقعی کسی است که در این جنبه از زندگی (مالی و اقتصادی) خود را ملزم به دستورات الهی و ربوبیت او می داند.

بنابر نص آیه شریفه لازمه اعتقاد به ربوبیت خداوند، اجتناب از کم فروشی است. یادآوری این نکته مفید است که مفهوم کم فروشی در هر شغل و صنفی مصادیق خاص خود را دارد، کارمندان، معلمان، کارگران و... هر کدام به نوعی می توانند مخاطب این دستور ویژه قرآنی باشند.

۲.۲-۲. کمک به مؤمنین

انسان مؤمن و متعبد به بندگی خدا و متربی به ربوبیت الهی و دستورات او در زندگی اجتماعی نسبت به مشکلات و گرفتاری های افراد جامعه ایمانی بی تفاوت نبوده و کمک و

احسان به مؤمنین و رفع گرفتاری از آن‌ها را از جمله وظایف اجتماعی خود می‌داند. بر اساس آیات قرآن این کمک و مساعدت او نسبت به مؤمنین نه تنها برای گیرنده کمک و جامعه آثار و فوایدی خواهد داشت، علاوه بر آن برای شخص کمک‌کننده نیز اجر و پاداش اخروی و آثار دنیوی همچون افزایش و برکت در اموال و دارایی را در پی خواهد داشت و لذاست که در پی انفاق و احسان و قرض دادن به مؤمنین نیازمند، آثار و فوایدی برای احسان‌کننده نیز حاصل می‌شود. در ادامه آیه‌ای که در آن‌ها مسئله کمک به دیگران در قالب انفاق و قرض به دیگران، هم به عنوان یک دستور دینی اجتماعی و هم آثار این امور برای شخص احسان‌کننده پرداخته شده است، اشاره می‌شود.

۲.۲ - ۳. انفاق دستور الهی

در آیه ۲۵۴ سوره بقره، خداوند متعال اهل ایمان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾: شما که ایمان دارید پیش از آن که روزی بیاید که در آن معامله و دوستی و شفاعت نباشد از آنچه روزیتان کرده انفاق کنید و کافران خود، ستمگرانند. (بقره (۲): ۲۵۴)

انفاق در اصطلاح، بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هر آن چه که خدا به آن دستور داده است می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۱۵)

از جمله مصادیقی که می‌توان در آن راه، انفاق و بذل مال کرد و مورد دستور و تأکید خداوند متعال می‌باشد کمک به مؤمنین و رفع گرفتاری از آحاد جامعه ایمانی است. در این آیه شریفه به مسئله رزق «رزقناکم» به عنوان یکی از شئون ربوبیت که از جانب خداوند متعال به انسان و دیگر مخلوقات هریک به تناسب نیاز آنها اعطا می‌شود، اشاره شده و خداوند متعال می‌فرماید از آنچه که به اقصای ربوبیت خویش به شما اهل ایمان روزی داده‌ایم انفاق کنید. به بیان دیگر مخاطب قرار دادن اهل ایمان از جانب خداوند متعال و امر کردن آن‌ها به انفاق در دایره ربوبیت او نسبت به مسائل مالی جامعه ایمانی و آثار این عمل، هم برای

خود انفاق کننده و هم در جهت کمک به دیگران و رفع فقر و نیاز عده‌ای از جامعه قابل طرح است. و نکته‌ای که در این آیه هست این است که ذیل آیه دلالت دارد بر این که سرپیچی کردن از انفاق، کفر و ظلم است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲/ ۳۲۳)

در آیه ۲۶۱ سوره بقره ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾: حکایت آنان که اموال خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند حکایت دانه‌ای است که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه باشد، و خدا برای هر که بخواهد، دو برابر هم می‌کند، که خدا وسعت بخش و دانا است. نیز به مسئله انفاق و آثار آن برای انفاق کننده پرداخته شده است.

این آیه و آیات بعد از آن که در یک سیاق هستند به مسئله انفاق، اشاره دارد. مؤمنین را تشویق به انفاق در راه خدا می‌کند و برای زیاد شدن و برکت مال انفاق شده، مثلی را بیان می‌کند، که یک درهم از مال انفاق شده هفتصد درهم می‌شود و چه بسا که خدا بیشترش هم کند.

بدیهی است زیاد شدن مال یا ثواب برای انفاق کننده از شئون ربوبیت الهی است. بنابراین اعتقاد به ربوبیت خداوند و وعده‌ای که در این آیه و امثال آن داده شده تأثیر شگرفی بر انفاق و کمک به محرومین دارد.^۱

کوتاه سخن این که این آیات مردم را دعوت به انفاق می‌کند و هدف از انفاق، نه برای مردم که باید برای خدا باشد.

۲.۲-۴. قرض

از دیگر مصادیق کمک و احسان به مؤمنین قرض دادن به آنهاست. مسئله‌ای که در آیه ۲۴۵ سوره بقره ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه له أضعافاً كثيرةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾: کیست که خدا را وامی نیکو دهد و خدا وام او را به دو برابری بسیار افزون

۱. بقره (۲): ۲۶۲ و ۲۷۴، انفال (۸): ۳ و ۴، سبأ (۳۴): ۳۹.

کند خدا است که تنگی می آورد و فراوانی نعمت می دهد و به سوی او بازگشت می یابید.» (بقره (۲): ۲۴۵) و در همین آیه به آثار این عمل برای قرض دهنده نیز اشاره شده است. زیبایی ادبی این فراز از آیه نیز قابل توجه است که همین نوع بیان نیز از ربوبیت یگانه‌ای خداست این که خداوند متعال کلام خود در مورد قرض را مانند درخواست جهاد به صورت امری بیان نکرد و با سیاق استفهام دعوت و تشویق نمود؛ این امر در ذهن مخاطب تأثیر مثبتی در انجام این عمل خواهد داشت. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲/۲۸۴)

خدای تعالی هزینه‌هایی را که مؤمن در راه او خرج می کند (قرض)، قرض گرفتن خودش نامیده است. این به خاطر آن است که اولاً می خواهد مؤمنین را بر انجام این کار (قرض دادن) تشویق کند و هم برای این است که انفاق و خرج‌های او می کند برای خاطر خدا بوده و دیگر آن که خدای سبحان در مقابل این انفاق و قرض دادن به زودی عوض آن را چند برابر به صاحبش برمی گرداند. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲/۲۸۵)

بنابر این قرض دادن نیز به عنوان یکی دیگر از دستورات الهی و ربوبیت و تدبیر او در ارتباط با زندگی مالی انسان و سامان دادن به این بعد از زندگی انسان بر اساس دستورات الهی مورد توجه قرار گرفته است. عملی که برای قرض دهنده باعث رشد در اموال اوست و آثار و پاداش آخروی را برایش بدنبال دارد و هم برای جامعه و دیگران در برآورده کردن نیاز آن‌ها مؤثر است.

بنابراین یکی از آثار اعتقاد و ایمان به ربوبیت الهی در ساحت زندگی اجتماعی و خصوص مسائل مالی، عنوان کمک به دیگران بوده که از جانب خداوند متعال و به اقتضای ربوبیت او در این بعد از زندگی مؤمنین در قالب امر و دستور و یا توصیه و سفارش به اموری مثل انفاق و قرض و... مورد توجه قرار گرفته است.

۳.۲. کارکرد اعتقاد به توحید ربوبی در حوزه مصرف

یکی از آثار اعتقاد به ربوبیت الهی و تدبیر او در نظام عالم و زندگی و رفتار عملی انسان در جریان الگوی مصرف و کیفیت و کمیت در بهره‌مندی و استفاده انسان از مواهب و

نعمت‌ها است. مؤمن و معتقد به ربوبیت پروردگار عالم، دستورات او را ملاک عمل قرار می‌دهد تا در مصرف، بر آن اساس عمل کند. ربوبیت الهی در این بخش از زندگی انسان در قالب ربوبیت تشریحی که در ضمن بیان آیات صورت گرفته، محقق است.

۳.۲- ۱. اعتدال در مصرف

اعتدال مصدر باب افتعال از ریشه «ع دل» به معنای حد متوسط بین دو وضعیت دیگر است. (ابن منظور، ۸۵ / ۹؛ فیروز آبادی، ۱۳ / ۲. (عدل.)) مقابل اعتدال، افراط و تفریط است. (مصطفوی، ۶۱۶ / ۹ (فرط))

اعتدال مفهومی فراگیر است و طبق آیات قرآن و آموزه‌های دینی همه شئون زندگی انسان اعم از افکار، کردار، خواب و خوراک، کار و عبادت و مصرف و حتی عالم خلقت و اجزای آن را شامل می‌شود.

از دیدگاه قرآن انسان موجود نیازمندی است که خداوند برای رفع نیازهایش زمین و طبیعت را رام او گردانیده و امکانات و منابع و نعمت‌هایش را در اختیار او قرار داده تا مصرف نماید. شکل و الگوی مصرف و استفاده از این امکانات در زندگی فردی و اجتماعی اهمیت فراوانی دارد.

الگوی نادرست مصرف قطعاً تبعات، مفسد و مشکلات فردی و اجتماعی را در پی خواهد داشت و در طرف مقابل، وجود یک الگوی صحیح مصرف، زمینه استفاده بهتر و بیشتر فرد و اجتماع را فراهم می‌آورد.

در جوامع امروزی به علت افزایش جمعیت و وجود سبک‌های مختلف زندگی، اصلاح الگوی مصرف بیشتر از پیش مورد اهتمام و توجه قرار گرفته است.

در جامعه دینی بهترین راه جهت دستیابی به این الگوی صحیح مصرف، مراجعه به دستورات الهی و دینی می‌باشد. با مراجعه به آیاتی از قرآن که در ضمن آن‌ها مسئله مصرف مورد بررسی قرار گرفته است؛ این امکان فراهم می‌شود که انسان در استفاده و بهره‌برداری و مصرف از یک الگوی رفتاری صحیح برخوردار باشد.

۳.۲- ۱- ۱. اعتدال در قرآن

الگویی که قرآن در مصرف معرفی می‌کند، اعتدال و میانه‌روی است. الگویی که اولاً، همه امور زندگی انسانی را شامل می‌شود و ثانیاً، در آن هم جانب تفریط و به زحمت انداختن و محروم ساختن خود و دیگران از امکانات و مواهب و هم جانب افراط و زیاده‌روی که زمینه فساد و تباهی و محرومیت دیگران فراهم می‌شود مردود است و حد متوسطی از رفتار در مصرف را معرفی می‌کند.

آن جا که خداوند متعال اجازه خرید و فروش را صادر کرده و در مقابل به حرمت ربا، ریال، اشاره نموده است، خود، رهنمون به این نکته است که در اقتصاد و امور مربوط به اقتصاد در مصرف، باید برخط اعتدال، پیش رفت و زیاده‌خواهی، اثرات بدی بر جامعه خواهد گذاشت. (خویی، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

در این الگوی قرآنی میانه روی حتی در امور خیر همچون انفاق مورد سفارش است و میانه روی عامل پایداری خانواده و اجتماع معرفی می‌شود. ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ و کسانی که چون خرج می‌کنند اسراف نکنند و بخل نورزند و میان این دو معتدل باشند. " (فرقان (۲۵): ۶۷)

انفاق به معنای بذل مال و صرف آن در رفع حوائج خویشتن و دیگران است. کلمه «اسراف» به معنای بیرون شدن از حدی است که رعایت آن حد سزاوار و پسندیده است. در مقابل اسراف کلمه قتر است که به معنای کمتر انفاق کردن است و کلمه «قوام» به فتح قاف به معنای حد و سط و معتدل است و همین کلمه به کسر قاف «قوام» به معنای مایه قوام هر چیز است. بندگان رحمان انفاق می‌کنند و انفاقشان همواره در حد و سط و میان اسراف و اقتار است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۲۴۰)

در مقابل اعتدال و میانه‌روی اسراف قرار می‌گیرد (چه در جانب تفریط و چه در جانب افراط) که در آیات فراوانی این مسئله به شدت مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است.

قرارگیری آیاتی که اعتدال و میانه‌روی را معرفی می‌کنند در کنار آیاتی که از اسراف و

تبدیر نهی و پرهیز می دهند، الگوی قرآنی در مصرف را شکل می دهند.

آیه ۳۱ اعراف از جمله آیاتی است که خداوند متعال در این آیه نهی از اسراف کرده‌اند. ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾: ای فرزندان آدم! زینت و آراستگی خویش را نزد هر مسجدی اتخاذ کنید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید زیرا او اسراف کنندگان را دوست ندارد. (اعراف (۷): ۳۱) در این آیه دو امر اباحی «کَلُوا وَ اشْرَبُوا» و یک نهی تحریمی (لا تسرفوا) است و جمله «انه لا يحب المسرفين» نهی تحریمی را تعلیل می‌کند. در این آیه اسراف که به معنای تجاوز از حد در هر عملی (از جمله مصرف) است حرام اعلام شده و حکم تکلیفی اسراف را بیان می‌کند. (طباطبائی، همان: ۸/۸۲)

آیه دیگری که به مسئله اسراف و حرمت (نهی تحریمی) آن اشاره دارد آیه ۱۴۱ سوره انعام است. ﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾. (انعام (۶): ۱۴۱) در این آیه نیز نهی از اسراف به نحو تحریمی است با توجه به عبارت «انه لا يحب المسرفين». مراد از اسراف که در این آیه مورد نهی واقع شده این است که از این میوه‌ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز نکنید درست است که شما صاحب آن هستید و لکن نمی‌توانید در خوردن آن و و بذل و بخشش از آن زیاده روی کنید و یا در غیر آن مصرفی که خدا معین کرده است به کار برید مثلاً در راه معصیت خدا صرف نمایید. (طباطبائی، همان: ۷/۳۶۴)

بررسی آیاتی که به مسئله اعتدال اشاره کرده و نیز آیاتی که از اسراف پرهیز داشته‌اند از آن جهت است که این آیات در واقع دستورات الهی که همان تحقق ربوبیت تشریحی الهی است را بیان می‌کنند، براین اساس است که در ذیل کارکردهای توحید ربوبی، اعتدال در مصرف نیز به‌عنوان یکی از کارکردهای عملی اعتقاد به ربوبیت و تدبیر مطلقه الهی ذکر می‌شود.

۳.۲- ۲. تبدیر؛ عمل شیطانی

تبدیر زیرمجموعه اسراف محسوب می‌شود و به معنای پاشیدن با اسراف است. تبدیر،

افشاندن و پاشیدن به منظور افساد است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۱۰)

مسئله تبذیر و آثار و تبعات آن در سوره اسرا ذکر شده است. ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾: چه اسرافکاران برادران شیطان هایند، و شیطان کفران پروردگار خود کرد. (اسراء (۱۷): ۲۷). علامه طباطبائی رحمته الله علیه در تفسیر این آیه چنین می‌فرماید:

جمله ﴿ان المبدیرین كانوا إخوان الشیاطین کان الشیطان لربه کفورا...﴾ تعلیلی بر نهی از تبذیر و حرمت آن است. در این آیه شریفه تبذیر عملی شیطانی معرفی می‌شود و در ایجاد پیوند و وجه ارتباط بین مبذرین و شیطان، به ویژگی خاصی از شیطان تعلیل می‌آورد و آن کفران او به مقام ربوبیت است ﴿كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كُفُورًا﴾. (طباطبائی، همان: ۱۳ / ۸۲)

بنابراین کسی که در مصرف اهل تبذیر است و الگوی او در مصرف غیر از الگویی که خداوند متعال به اقتضای ربوبیت خود برای انسان مؤمن در این بخش توصیه کرده، باشد در واقع ربوبیت خدا را نادیده گرفته و مرتکب کفران و ناسپاسی نسبت به ربوبیت می‌شود.

در نگاه قرآنی، انسان مؤمن اگر قرار است بر اساس الگویی که پروردگارش در مسئله مصرف و استفاده از مواهب و امکانات ترسیم کرده است رفتار کند؛ اولاً، لازم است در همه شئون اعتدال و میانه روی را سرلوحه عمل خود قرار داده ثانیاً، از اسراف و تبذیر پرهیز نماید که آیات قران کریم با ارایه دستوراتی در هر دو جهت مورد اشاره نوعی از الگو در مصرف را در سبک زندگی معرفی می‌کند که در این الگوی مصرف، حد وسط و اعتدال معیار بوده و دو طرف آن یعنی افراط و تفریط در مصرف منهی و مذموم برشمرده می‌شود.

این الگوی مصرف با توجه به دستورات خداوند متعال در ضمن آیات کریمه که ناظر به رفتار و عمل انسان در حوزه مصرف اوست به دست می‌آید و به عنوان یک ضابطه و قانون الهی بر سبک زندگی او در این بخش (مصرف) حاکم و مبنای عمل خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اقتصاد ورشد و پیشرفت در آن، مؤلفه مهم تمدن اسلامی است و به جهت تأثیر زیاد این موضوع در سبک زندگی انسان‌ها، نیاز است با بررسی و تحلیل آیات قرآن، کتاب جامع انسان ساز، برنامه عملی مناسبی جهت ارائه تمدن نوین اسلامی، تبیین گردد.

رهبر معظم انقلاب در بیانات مختلف به سبک زندگی و بحث اقتصاد و اهمیت آن، توجه داده و در موارد مختلفی چون بیانیه گام دوم، راهکارهایی در راستای اقتصاد مانند اقتصاد مقاومتی و دستورات مهمی در توجه به سبک زندگی داشته‌اند.

با تحلیل و بررسی آیات قرآن در زمینه اقتصاد با رویکرد توجه به توحید ربوبی، آیات بسیاری با تکیه بر این اعتقاد کارکردهای بینشی و رفتاری را برای انسان تصویر می‌کند.

انسان با اعتقاد به توحید ربوبی درمی‌یابد که مالکیت حقیقی از آن خداست و برنامه‌های اقتصادی در زندگی را برپایه این اعتقاد برنامه‌ریزی می‌کند و در اجرای برنامه‌های اقتصادی خویش با تقوا برخورد کرده تا از خیر کثیر الهی بهره‌مند گردد و متوجه براین موضوع است که قبض و بسط اموال دنیا به دست خداست و تأسف بر نداشته‌ها و از دست دادن داشته‌ها نخواهد خورد.

همچنین آیات قرآن در زمینه رفتار اقتصادی در هر سه حوزه تولید، توزیع و مصرف، کارکردهایی را بر اساس اعتقاد به توحید ربوبی ترسیم می‌کند. خداوند متعال، شب و روز و آسمان و زمین، دریاها و... را به تسخیر انسان در آورده تا در تولید در پیشبرد زندگی از آن‌ها بهره‌برد. در بحث توزیع نیز، جامعه اسلامی به‌طور عادلانه توزیع ثروت کند و در همین راستا کمک به مؤمنین، انفاق و قرض را می‌توان از برخی کارکردهای اعتقاد به توحید ربوبی در حوزه توزیع دانست. در مرحله مصرف نیز آموزه‌هایی چون اعتدال در مصرف و دوری از تبذیر الگویی کاربردی است که از اعتقاد به ربوبیت خدای یگانه نشئت می‌گیرد.

منابع

قرآن

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، جلد ۱ و ۳ و ۹، چاپ سوم، دارصادر.
۲. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغة، بیروت، جلد ۵، چاپ اول، داراحیاء التراث العربی.
۳. بیانات رهبری [/https://farsi.khamenei.ir/](https://farsi.khamenei.ir/)
۴. حسین زاده، علی، ۱۳۹۳، سبک زندگی، زمینه‌های پذیرش آداب، قم، مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۵. حسین یوسف، موسی، ۱۴۱۰ق، إفصاح اللغة، قم، جلد ۲، چاپ چهارم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، مترجم: هاشم زاده هریسی، هاشم و نجمی، محمدصادق، تهران، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۱، لغت نامه دهخدا، تهران، جلد ۸ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۶، بی‌چاپ، وزارت ارشاد اسلامی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، چاپ اول، دارالشامیه.
۹. زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ه.ق، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی شیری، بیروت، جلد ۵، چاپ اول، دارالفکر.
۱۰. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۹، محاضرات فی الإلهیات، قم، چاپ ۱۱، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۱. صلیبا، جمیل، ۱۴۱۴ ه.ق، المعجم الفلسفی بالألفاظ العربیة و الفرنسیة و الإنکلیزیة و اللاتینیة، بیروت، جلد ۱، چاپ اول، الشركة العالمية للكتاب.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، جلد ۲ و ۶، چاپ سوم، ناصر خسرو.
۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، محقق: احمد حسینی اشکوری، جلد ۲ و ۳، چاپ سوم، مرتضوی.

۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ ه. ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، جلد ۱ و ۲ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. _____، ۱۴۳۰ ق، نهاییه الحکمه، ۲ جلد، قم، چاپ پنجم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۶. عبد الهی، عابد، مهری قبادی، ۱۳۹۳، راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی، تهران، سراج منیر (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۱۲۲.
۱۷. عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران، بی جا، امیرکبیر.
۱۸. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۰۹ ق، العین، قم، جلد ۳ و ۸، چاپ دوم، دارالهجره.
۱۹. فیروز آبادی، محمد بن مکرم، ۱۴۱۵ ق، القاموس المحیط، ۴ جلد، بیروت، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، دارالکتب العلمیه.
۲۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران، جلد ۹ و ۱۳، چاپ اول، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. محقق نیا، محمد جواد، الگوی بانکداری اسلامی، ۱۳۹۴، قم، چاپ سوم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، جلد ۴ و ۹ و ۱۳، چاپ اول، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، مؤسسه الطباعة و النشر.
۲۳. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تهران، چاپ دوم، انتشارات زرین.
۲۴. موسوی فر، سید محمد تقی، ۱۳۹۵، ظرفیت‌های پژوهش سبک زندگی از منظر آیات و روایات، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۵. مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۸۷، دین و سبک زندگی، تهران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۳، فرهنگ قرآن، قم، جلد ۱۲، چاپ دوم، بوستان کتاب.